

غنی احمدزی، بگو! کار کیست؟؟؟

(بخش چهارم) استاد - صباح



تصویر مزار شهدایی جنبش روشنایی

مادر! ببین چگونه تتم را دریده‌اند
گفتارها چه سان یختم را دریده‌اند
مادریا ببین پسرت درچه حالت است
از شست پا تا دهنم را دریده‌اند
مادریا توبا نخ و سوزن کنار من
عاجل بدوز چون گفتم را دریده‌اند
یعقوب نیست واقف از احوال یوسفش
گرگان مصر پیرهنم را دریده‌اند
نگذاشتند که راحت و آسوده جان کنم
حتی که دست و پا زدنم را دریده‌اند
هر شام کز نیامدم گفت کودکم
آخر به او بگو بدنم را دریده‌اند
مادر! میان غُلْغُلَه تنها نسوختم
احساس میکنم وطنم را دریده‌اند. (؟؟؟)

غنی! در اداره سهامی تو، جنایت و جنونی اتفاق افتید که فقط در اداره خائنانه تنظیمی در سال 1371 خورشیدی سابقه داشت
و اکنون که قرن بیست و یک است وینجاه کشور غربی و شرقی در اطراف ارگ سنگر گرفته و در تداوم رسوایی ات همکاری
دارند تویی شرمانه و جنون آمیز به خواست و تقاضای ملت پشت پامیزی و یک مشت سخنانه کودکانه و پیاوه گونه رابخورد
رسانه های که به هدایت نیروهای نظامی خارجی هدایت و مدیریت میشوند، میدهی و اطرافیان نادانت تملق گونه
و جاپیلوسانه، واه واه میگویند و کف می زنند و بتومغز متفکر خطاب می کنند و باید بدانی که این اطرافیان دشمنان درجه یک
توست، زیرا اشتباهات و جنونهای متواتر ت را بتو تفهیم نمی کنند و می خواهند با گذشت هر روز ترا
بیشتر و بیشتر رسوا و رسواتر بسازند.
آقای احمدزی!

چرا این همه جنایات در حق یک قوم و نژاد اتفاق می افتد؟؟؟

چرا هزاره ها قتل عام می شوند؟؟؟

چرا خواستهای برحق این قوم پذیرفته نمی شود؟؟؟

چرا حنیف اتمر، ستانکزی، گل نبی احمدزی، خیلواک، زاخیلوال، ریس اداره امورورپس دفترت ... علنی و بی باکانه

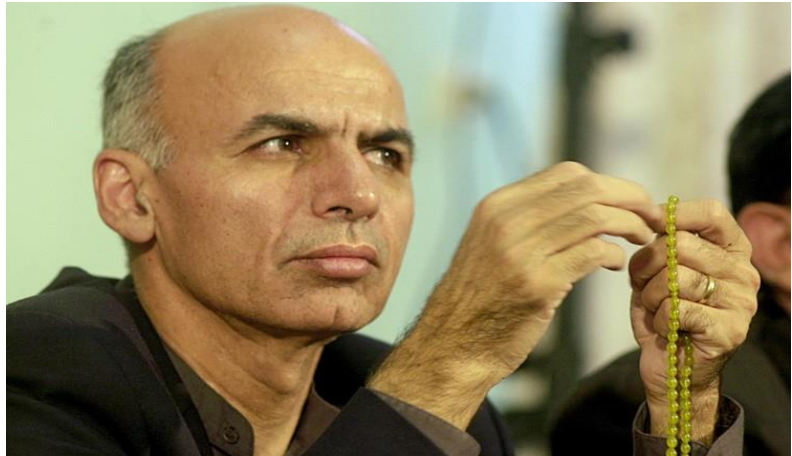
در حق اقوام محروم و محکوم هزاره و ازبیک ستم روا می دارند؟؟؟

غنی احمدزی! اگر از من می شنوی برو دنبال امورات شخصی ات و توبه اداره کشور و زمامداری آفریده نشده ای

و کشور با جنون و رسوایی اداره نمی شود.

از مایک نصحیت، خواهش، گفتنی ...

و تصمیم باتوست.



اراده مردم و حق و حقوق مردم و تامین عدالت اجتماعی، از هر مکانیزم و رویکرد دولتی قویتر است، حال هر چه میخواهد قوی و خشن باشد ... رژیم های غیردموکراتیک نمی توانند تحقق اراده مردم و حقوق آنها را مانع شوند .
هیچ وقت فراموش نکن که به هنگام ترک این زندگی نمی توان هیچ چیزمادی را با خود ببری نه جنسی را با خود به همراه می ببری نه پولی را که در سراسر زندگی جمع اوری کردی و نه حتی چیزهای که به آنها علاقه مند ی تنها چیزی که هنگام ترک این دنیا با خود می بری **خاطره و عشقی** است که به مردم هدیه داده اید .

آزاد شو

آزاد شو از بند خویش، زنجیر را باور نکن
اکنون زمان زندگیست، تاخیر را باور نکن
حرف از هیاهو کم بزن، از آشتی ها دم بزن
از دشمنی پرهیز کن، شمشیر را باور نکن
خود را ضعیف و کم ندان، تنهادر این عالم ندان
... تو شاهکار خلقی، تحقیر را باور نکن..
بر روی بوم زندگی، هر چیزی خواهی بکش
زیبا و زشتش کارتوست، تقدیر را باور نکن
تصویر اگر زیبا نبود، نقاش خوبی نیستی
از نودوباره رسم کن، تصویر را باور نکن
خالق تو را شاد آفرید، آزاد و آزاد آفرید
پرواز کن تا آرزو، زنجیر را باور نکن.

جنبش تبسم، نماد داد خواهی

تاترا این مرگ بر دوش گرفت
فریاد هجوم رنگ خاموش گرفت

از بال فرشتگان دعا می بارید
وقتی که خدا تورا در آغوش گرفت.

ای آزادی من ازستم بیزارم ، از بند بیزارم ، از زنجیر بیزارم، از زندان بیزارم از هرچه و هر که ، که تو
را در بند می کشد ،بیزارم .

ای آزادی مرغک پرشکسته زیبای من ، کاش می توانستم تو را از چنگ پاسداران وحشت ، سازندگان شب و تاریکی و
سرما ، سازندگان دیوارها و مرزها و زندان ها و قلعه ها رهایت کنم ، کاش قفست را می شکستم و در هوای پاک بی
ابروبی غباربامدای پروازت می دادم.



بتاریخ هفده عقرب ۱۳۹۴ تروریستان خداناترس گلوی طفل معصومی بنام شکریه تبسم رابادیگر مسافران هزاره بریدند.
دهها هزار نفر از مردم «کابل» درواکنش به کشته شدن هفت گروگان هزاره، به خیابانهای شهر ریخته و برای گلوهای
بریده شهدا داد خواهی کردند و با حمل تابوت های شهدا، عدالت و امنیت را فریاد کشیدند.

می شود گروه های مسلح منتسب به داعش در زابل، هفت گروگان شامل چهار مرد، سه زن و یک نوجوان را سر بریدند.
دولت اجساد این گروگان های کشته شده را به «غزنی» انتقال داد تا به خانواده های آنها تحویل دهد، اما مردم اجازه دفن
این اجساد را ندادند و با حضور گسترده خود، این جنازه ها را از غزنی به کابل حمل کردند. این جنایت وحشیانه و
غیر انسانی ، علاوه بر اینکه در بسیاری از رسانه های بین المللی بازتاب پیدا کرد، واکنش شدید مردم افغانستان را در
صفحات اجتماعی خود به دنبال داشت. در این میان، برخی با سرودن شعری، برخی با گذاشتن عکس « شکریه تبسم»
کودک نوساله سربریده این جنایت به عنوان عکس پروفایل خود و عده ای دیگر نیز با گذاشتن دل نوشته های خود نوای
دادخواهی سر داده و با خانواده های قربانیان ابراز همدردی کردند.

افغانستان فارغ از هرگونه قومیت طلبی، بر محوری به نام دادخواهی خون مظلوم در زیر پرچم انقلاب تبسم گرد آمده تا
صفحه جدیدی از تاریخ را به نمایش بگذارد. این حرکت، از آنجایی لقب بی سابقه به خود می گیرد که در تاریخ ، هیچگاه
مردم تا این اندازه و با تکیه بر ابزار همدلی، بر دیوار ارگ لرزه ننداخته بودند. همچنین در پیشاپیش مردم، دیگر خبری
از چهره های سیاسی نبود و لفظ خودجوش و دفاع از حق مظلوم، بهترین دلیل بر چرایی این حرکت منهای هرگونه جناح
بندی سیاسی بود. جنبش تبسم، یک حرکت خودجوش و مردمی است.

تفسیر شخصی از این حرکت خطاست و به روند مردمی که تازه آغاز شده، آسیب می زند. در طول تظاهرات افرادی
کوشش کردند بهره برداری شخصی کنند، اما این موج حقیقی تر و متبسم تر از آن بود که کسی بتواند از آن بهره برداری
شخصی کند. در این جنبش پتانسیل گذر از خود به دیگری و مردمی شدن خواست ها وجود دارد، مشروط بر آنکه دفاع از
جانها مقدم بر دفاع از قومیت ها باشد و این پل باریک گذر از خود به دیگری اجتماعی را با دستان خود خود منفجر نکنیم
و فرو نریزیم. جنبش تبسم و جنبش روشنایی همان گپ اصلی و دل مردم بود که به صحنه آمد و بر رهبران سنتی بی
اعتمادی اش را عریان گفت و راه خود را از آنها جدا نمودند.

شهادی جنبش روشنایی

راهی میرویم همه از سفر گفتن است

دربازی عشق برد در باختن است
از شهادت شهیدان تعجب نکنید
حق مردم گرفتن ، سرباختن است.

کسیکه برای حفظ جان خود از آزادی صرف نظر کند استحقاق آزادی و سلامتی را ندارد.
فکر آزادی همسال و معاصر ظلم و تعدی است نهضت آزادی خواهی همیشه در اثر مظالم استبداد و شکنجه و آزار ستمگران
بوجود آمده است.



روزشنبه دوم اسد ساعت ۲:۳۰ بعد از ظهر (۱۳۹۵) در نتیجه حمله انتحاری در میان تظاهرات کننده های جنبش روشنایی ۸۰ تن شهید و ۲۳۱ تن دیگر از هموطنان عزیز ما مجروح شدند. گفته می شود این حمله توسط ۳ تن انتحارکننده صورت گرفته که فرد اول دست به انتحار زده، دومی انتحار ناقص و ترورست سومی بر اثر فیر نیروهای امنیتی از بین برده شده است. این انفجار در تجمع هزاره هایی رخ داد که برای اعتراض به تغییر مسیر خطوط انتقال برق به کابل در حال راهپیمایی بودند. جنبش روشنایی یک حرکت مدنی است که در افغانستان در گذشته کمتر نمونه های آن را در دست داریم. این جنبش به عنوان یک حرکت مدنی دادخواهانه باید از سوی حکومت جدی گرفته شود. حرکت های دادخواهانه و حق طلبانه مردمی لازمه جوامع دموکراتیک است و می تواند فاصله ی مردم با حکومت را کمتر بسازد. اگر حکومت با توتاپ از موضع اخیرش برخورد کند، این اقدام بدون شک موجی از اعتراض ها را در سایر بخش های کشور و با خواست های متفاوت شکل می دهد و منجر به ایجاد فاصله میان مردم و حکومت می شود. همچنین فاصله میان باشندگان مناطق مختلف ایجاد می شود. این مسوولیت دولت ها است تا زمینه را برای چنین اتفاقاتی میسر نسازند. پروژه انتقال برق وارداتی ترکمنستان موسوم به توتاپ، پس از تایید کابینه مبنی بر عبور این لاین برق از مسیر سالنگ، اعتراض های گسترده باشندگان مناطق مرکزی را بدنبال داشته است. مقام های حکومتی می گویند که انتقال لاین برق ترکمنستان از مسیر بامیان هزینه و زمان بیشتری می برد. اما باشندگان مناطق مرکزی به این تصمیم حکومت اعتراض کرده می گویند که شرکت آلمانی «فیشنر» که مسوولیت تهیه ماستر پلان برق افغانستان را به عهده داشت، مسیر بامیان را برای اجرای این پروژه بزرگ برق رسانی انتخاب کرده است.

شهدا و زخمی های کارته سخی

سر تا سر شهر عطر آگین بود

لبخند تمام کوچه ها غمگین بود

آن روز که شمارا بردوش می بردیم

تابوت سبک، ولی غم سنگین بود.

بزرگترین افتخاری قومیکه آزاد به دنیا آمده اند این است که این آزادی را به کودکان خود انتقال دهند .
انسان های که حق اظهار عقیده و بیان فکر خود را نداشته باشد موجودی زنده محسوب نمیشود.



به تاریخ ۲۰ میزان سال جاری (۱۳۹۵) در اثر حمله گروهی مهاجمان مسلح بر عزاداران عاشورا که در زیارتگاه کارته سخی در حال ادای مراسم عزاداری بودند ۱۴ تن کشته و حدود ۵۰ تن دیگر جراحت برداشتند.
چهارمهاجم ابتدا سه خدمه این زیارتگاه را کشته و سپس وارد محوطه آن شدند. شبهای تاسوعا و عاشورا، دسته‌های بزرگ سینه زنی از محلات مختلف کابل به این محل می آیند . حمله حدود ساعت ۸ شام به وقت محل اتفاق افتاد و شاهدان گفتند که ابتدا صدای انفجار و در پی آن صدای شلیک نیز شنیده شد .
پولیس کابل گفته که مهاجمان با یونیفرم پولیس به عزاداران حمله کردند . حمله زمانی به وقوع پیوست که صدها عزادار شیعه برای سوگواری عاشورا گردهم آمده بودند . در این رویداد تروریستی، ۱۵ تن از جمله «سمیه محمدی» عضو شورای ولایتی و لایت «دایکندی» شهید و ۵۴ تن دیگر زخمی شدند.
زیارت معروف سخی در دامنه کوه « آسمایی» در منطقه «کارته سخی» قرار دارد که در غرب آن دانشگاه کابل و شفاخانه علی‌آباد، شرق آن کوه تلویزیون، جنوب آن «تپه سلام» و شمال آن تپه «خاکی گردنه» قرار دارد.
این زیارت به دستور احمد شاه بابا درانی (۱۷۴۷-۱۷۷۳) ساخته شده است، زمانی که احمد شاه دستور می‌دهد که خرجه مبارک پیامبر اسلام(ص) را از بخارا به قندهار انتقال دهند، کاروان مذکور در کابل در منطقه کنونی (زیارت سخی) اطراق می‌کند. روایت است که نگهبانان دو شب پی‌درپی حضرت علی(ع) را در خواب می‌بینند که به این مکان آمده و شمشیر خود را به روی سنگ بزرگی گذاشته و نماز بهجا می‌آورد. هنگامی که کاروان به قندهار می‌رسد، این موضوع را به احمد شاه بابا می‌گویند و او دستور می‌دهد که زیارتگاهی آنجا بسازند و آن را «زیارت سخی شاه مردان» می‌نامد.

انتحاری خونین به مسجد باقرالعلوم کابل

آن روز در آن معرکه ستون رقصید

بی خود شد و مثل مجنون رقصید

خورشید فرو رفت به عمق زمین

از شرم هموطنم که در خون رقصید.

آزادی هیچ وقت انتظار ما را ندارد . ما باید در طلبش از دل و جان دریغ نکنیم. حوادث تاریخی را سراغ نداریم که آزادی و عدالت اجتماعی سهل و ساده بدست آمده باشد.



گفته می شود حدود ۵۰ نفر کشته و ۶۴ زخمی شده اند. دفتر نمایندگی سازمان ملل نیز تعداد کشته شدگان را بیش از ۵۰ نفر " نفرگفته است. براساس گفته های شاهدان عینی، در این حمله بیش از ۱۰۰ تن به شمول کودکان کشته و زخمی شده اند که اکثر آنان به شفاخانه استقلال و امنیت انتقال یافته اند. شفاخانه استقلال کابل کابل لیست سی و چهار نفره ای از زخمی های این حادثه نشر کرده است که در میان آن پنج کودک دیده می شود. گفته میشود این حمله میان عزادارانی که در این مسجد برای برگزاری مراسم اربعین حسینی گردهم آمده بودند، رخ داده است.

در مراسم اربعین حسینی در مسجد باقر العلوم در غرب کابل انفجار مهیبی رخداد، تعدادی از سوگواران حسینی طعمه گرکان درنده تروریسم گشتند و به خاک و خون افتادند، خانواده های بی شماری در سوگ فرزندان سوگوار خویش نشستند، خانه های مردم کابل با دو ماتم و سوگواری همراه شد، هم سوگوار سالار شهیدان گشتند و هم سوگوار عزیزان و فرزندان خود. سازمان عفو بین الملل نیز حمله امروز را وحشیانه خوانده است .

چمپا پاتل، رئیس بخش جنوب آسیای این سازمان با انتشار اعلامیه ای گفته است : حمله بر مسجد شیعیان در کابل یک حمله عمدی و وحشیانه بر غیرنظامیان بود . مقامات افغانستان باید فوراً در مورد این جنایت تحقیق کنند و عاملان آن را به محاکمه بکشانند. دولت مکلف است تا تدابیر موثر را برای حفاظت از شیعه ها اتخاذ کند و به مصونیت عاملان خشونت های گذشته در برابر شیعه ها باید پایان داده شود.

گویا مردمی که خواهان زنده ماندن نام و ایام امام حسین هستند چنین تقدیر شده است که جفای یزیدیان زمانه را تحمل کنند، راست قامت بیایستند در برابر دژخیمان ستم گرسرخم نکنند. سنی و شیعه در افغانستان اگر این قدر بی ریشه و بنیاد باشند که به هر بادی بلرزند و تحت تاثیر تشنج آفرینی های پیروان این فرقه قرار گیرند و نسبت به برادران خود بی اعتماد شوند باید به خود و اعتماد متقابلی که وجود دارد تردید روا دارند.

باور همگانی آنست که تا هنوز تیر تفرقه افکنان به سنگ خورده و نتوانسته اند کمترین رخنه ای در میان صفوف به هم فشرده ایجاد کنند. آنچه که برای مردم مایه نگرانی است این که حکومت گران درکام و هابیت فرو روند یا به طرفداری از حکومت متجاوز سعودی اعلامیه صادر کند یا آن که به حکومت سعودی اجازه دهد تا به بهانه اعمار مدرسه، کانون تفرقه افگنی را در کشور به وجود آورند. گرچه رخداد غم انگیز اربعین سخت جانکاه است، اما این غم و اندوه هیچ گاه نخواهد توانست پایه های وحدت و همدلی مردم را به لرزه درآورد مردم ما را نسبت به یکدیگر بد بین سازد. تروریستان کوردلی که مسجد باقر العلوم را نشانه رفتند، مردم عزادار ما را به خاک خون نشانند، تا هنوز ده ها مسجد و نمازخانه مربوط برادران ما را نیز به آتش کشیدند یا تخریب کردند. اما صفوف مردم ما هم چنان در برابر تروریسم با صلابت و با شکوه است .

